

مکاتب و قلمرو جرم شناسی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۶/۱۵)

بهزاد ثابتی پور

چکیده

جرم یا بزه دارای معیار و خصوصیتی است که قانون جزا مشخص می‌کند، زیرا هر عمل یا ترک فعلی را نمی‌توان جرم نامید. آنچه که در قانون جزا و حقوق کیفری اختصاصی بعنوان جرم به ما ارائه می‌دهند در چهارچوب جرم شناسی قرار می‌گیرند. در جرم شناسی ما نیز باید در مقام مطالعه آنها باشیم. البته پدیده مجرمانه صرفاً رنگ جزائی و حقوقی ندارد. یعنی هم شامل جرم می‌شود و هم انحراف و کجروی. پس موضوع جرم شناسی طبق آخرین برداشتها، شناخت علل پدیده مجرمانه است. جرم و انحراف ضمن اینکه با هم ارتباط دارند مفهوماً فرق می‌کنند. جرم اولاً ساخته و پرداخته قانون می‌باشد. ثانیاً دارای ضمانت اجرای موضوعه می‌باشد، ثالثاً این ضمانت اجرا توسط انسانها عملی می‌شود. اما انحراف مفهومی است اخلاقی - اجتماعی که بیشتر مذمت عمومی را بدنبال دارد. یعنی دارای ضمانت اجرای عملی و موضوعه نمی‌باشد. در عین حال هر دوی جرم و انحراف ناهنجاری است. به همین دلیل بعضی معتقد هستند که باید سراغ آسیب‌شناسی رفت که هر دو نوع ناهنجاری را تحت پوشش قرار می‌دهد.



بخش اول کلیات

جرم شناسی، رشته‌ای از علوم جنایی است که دارای دو جنبه می‌باشد:

- ۱- جنبه حقوقی و هنجاری - باید با مراجعه به مواد قانون جزا به این جنبه پرداخت.
- ۲- جنبه متدولوژی - که برای رسیدن به هدف خودش (شناخت علل بزهکاری) از علوم اجتماعی خصوصاً جامعه شناسی استفاده می‌کند.

جرم شناسی بدنبال عدم کارائی حقوق جزای کلاسیک در مقابل پدیده بزهکاری بوجود آمد و علی‌رغم اعمال مجازاتها پدیده بزهکاری و جرم شناسی سیر صعودی خودش را طی کرد. همین امر سبب شد که حقوقدانان و دانشمندان حقوق جزا به این فکر افتادند که سوای مواد قانونی به مطالعه سیر صعودی جرم نیز بپردازند. این مطالعات ابتدا تخیلی بود و از رنگ فلسفی برخوردار بود. در آغاز فکر می‌کردند که علت افزایش بزهکاری ضعیف بودن مجازاتها می‌باشد و به همین دلیل به تشدید مجازات از نظر کمی و کیفی پرداختند که نتیجه‌ای حاصل نشد تا اینکه همین دسته از حقوقدانان جزای کلاسیک با کمک جامعه شناسان و فلاسفه سعی کردند جرم را بعنوان جوهر مجرد و انتزاعی مورد مطالعه قرار دهند. چنانکه از مجرم نیز غافل نماندند. اولین کسانی که در این مقام برآمدند «گری A.M. Guerry (۱۸۹۶-۱۸۰۲)» و «کتله A. Quetelet (۱۷۹۶-۱۸۷۴)» بودند. کتله واضع آمار جزائی در دنیا می‌باشد. کتله یک حقوقدان فرانسوی و مؤسس دایره آمار جزائی در دادگستری فرانسه بود. بعدها در سده نوزدهم میلادی - گری که دنباله رو کتله بود در قالب آمارهای جزائی که در واقع آمار قضائی بودند به مطالعه خود جرم پرداختند. قبل از اینکه دوره علمی آغاز شود، در طول تاریخ آثاری از جرم شناسی ماقبل علمی وجود دارد. در دوره ماقبل علمی شیوه مطالعه و برخورد با جرم مبتنی بر یک سلسله استدلالهای ذهنی و فلسفی و مذهبی بود. با این روش افلاطون، ارسطو و در دوران حاضر «ویکتور هوگو» و دیگران مطالعات زیادی را انجام دادند و نظریات گوناگونی را اظهار کردند. که همگی حاصل باورهای ذهنی است. جرم شناسی به معنایی که الان از آن یاد می‌شود علمی است که براساس مشاهدات، آزمایشات و بررسی‌های تجربی در مقام شناخت علل و عوامل پدیده مجرمانه می‌باشد.



بند اول: بررسی پدیده مجرمانه

لمبروزو مؤسس انسان شناسی جنائی قبل از هر چیز یک پزشک بود و همزمان یک نظامی هم بود، در دانشکده نیز تدریس می کرد. او از طریق مطالعه مجموعه های مجرمینی که اعدام شده بودند (۳۲۰ مجمه) و مطالعه ۵ هزار سربازی که در پادگان بودند کتابی تحت عنوان «انسان بزهکار» در سال ۱۸۷۶ م منتشر کرد. باین ترتیب جرم شناسی علمی در سال ۱۸۷۶ م در قالب کتاب انسان بزهکار پا به عرصه وجود نهاد و تاکنون از عمر ۱۲۰ ساله برخوردار شده است. بعدها «گاروفالو» این رشته را تحت عنوان جرم شناسی ((*criminologie*) عنوان گذاری کرد. البته طبق نظر بعضی از جرم شناسان و انسان شناسان یک فرانسوی بنام «توپینار» *Topinard* از کلمه «جرم شناسی» در آثار خودش در پایان سده نوزدهم (۱۸۷۹) استفاده کرده است.

بند دوم: موضوع و قلمرو جرم شناسی

جرم شناسی را در سه مرحله مورد مطالعه قرار داده اند: بعنوان مرحله اول وضع قانون مطرح است. قانون در یک جامعه اگر چه مبین اراده عمومی می باشد ولی همواره بخشی از جامعه منافع خود را در نقض آن می بینند. در مرحله دوم قوانین وضع شده توسط بخشی از جامعه مورد تعدی قرار می گیرد و بزه بروز می یابد و قانونگذار که چنین رخدادهایی را پیش بینی می کند ضمانت اجرایی نیز بمنظور ممانعت از گسترش بزه طراحی می کند. این ضمانت اجرا در حقوق جزای کلاسیک خود مجازات می باشد. بدنبال مطالعات جرم شناسی علاوه بر مجازات در قوانین مختلف شاهد اقدامات تأمینی و تربیتی نیز می باشیم. البته ضمانت اجرا بویژه زندان همیشه از بعد پیشگیری و اصلاح مجرم برخوردار نیست. باین دلیل مقنن با مشاهده عدم کار آئی زندان، در مورد جرائم سبک زندان را حذف می کند و مجازاتهای دیگری را پیش بینی می کند که به اقدامات جانشینی معروف می باشند. بدین صورت قانونگذار مجدداً مجبور می شود برای پیشگیری جرائم اقدام به وضع قوانین جدید نماید. که مرحله سوم را بوجود می آورد. سه مرحله یاد شده همواره در حال چرخش می باشد و سرعت و کیفیت آن به درجه



تحول جامعه‌مورد نظر بستگی دارد. مثلاً در جوامع صنعتی بزه‌ها بیشتر به مخالفت علیه اقدامات صنعتی و در جوامع سنتی به مخالفت نسبت به ارزشهای اخلاقی و مذهبی مربوط می‌شود.

مرحله اول: وضع مقررات و قوانین بصورت عام.

مرحله دوم: وقوع بزه یا جرم.

مرحله سوم: ضمانت اجرای وقوع جرم یا بزه.

جرم‌شناسی در این سیکل در مرحله دوم واقع شده است. موضوع جرم‌شناسی عبارت است از مطالعه بزه که در اشکال مختلف متصور می‌باشد مثل جرائم علیه اشخاص، اموال، نظم و امنیت عمومی و اگر چه جرم‌شناسی از موضوع مستقیم برخوردار است در عین حال نسبت به وضع قانون، جامعه‌شناسی قانونگذاری، ضمانت اجرای مجازات، سیاست جنائی حساس است و بیشتر اوقات این رشته‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. جرم‌شناسی همچنان با حقوق جزا و آئین دادرسی کیفری مرتبط است.

جرم‌شناسی را به دو بخش عمومی و اختصاصی تقسیم می‌کنند. قلمرو جرم‌شناسی عمومی پیروی از اصول کلی حاکم بر جرم‌شناسی صرف نظر از اشکال آن می‌باشد. اما جرم‌شناسی اختصاصی به مطالعه اشکال گوناگون جرم می‌پردازد و قلمرو آن با توجه به زمان و مکان نسبی است. در کشور ایران بر خلاف جهان غرب، به لحاظ داشتن حکومت مذهبی جرم‌شناسی حوزه وسیعی دارد، زیرا هر عملی می‌تواند خلاف اخلاق حسنه و قوانین شرعی باشد. بنابراین جرم‌شناسی از نظر قلمرو در مکان و زمان متغیر است. از نظر کارائی جرم‌شناسی در ارتباط نزدیک با جامعه و نظم و زمامداران آن قرار دارد. میزان کارائی جرم‌شناسی بستگی به تصمیم‌گیران سیاسی، قضائی و اجتماعی جامعه دارد. چنانچه متأثر از ماهیت سیاسی ایدئولوژیک جامعه نیز می‌باشد. یکی از توصیه‌های جرم‌شناسی علی‌الاصول برای مبارزه با جرم، کاهش بار عدالت کیفری می‌باشد. طریقه جرم‌زدائی برای مبارزه با جرم می‌باشد. در ایران که قوانین شرعی پیاده می‌شود، جرم‌شناسی از عملکرد محدودی برخوردار می‌باشد.



بند سوم: تعریف جرم شناسی

اصطلاح جرم شناسی را برای اولین بار «توپینار» Topinard دانشمند فرانسوی در ۱۸۷۹ بکار برد و در سال ۱۸۸۵ یعنی ۶ سال پس از انتشار کتاب توپینار، گاروفالو قاضی ایتالیایی کتابی را تحت عنوان «جرم شناسی» منتشر ساخت. تعاریف گوناگونی برای جرم شناسی صورت گرفته است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف - تعریف جرم شناسی از دیدگاه دورکیم: دورکیم در تعریف جرم شناسی می‌گوید: اعمالی هستند که وقتی واقع می‌شوند واکنشی را ایجاد می‌کنند که در عرف به آن واکنش کیفر می‌گویند. نکته قابل توجه در این تعریف واژه عمل یا اعمال می‌باشد که در قانون کاربرد ندارد و از آن به «جنایت» تعبیر می‌کنند. بنابراین عمل و واکنش یک اصطلاح جامعه شناسی است.

ب- تعریف مکتب اطریش (گراتز): گداز، زینگل، هاستروسن که مؤسسين مکتب اطریش هستند تعریف جامعی از جرم شناسی ارائه داده‌اند. آنها می‌گویند: جرم شناسی رشته‌ای است که به مطالعه واقعیت جنائی یا مجرمانه می‌پردازد چنانکه از مطالعه وقایع و آئین‌های شکلی در رابطه با جرم و بررسی دفاع علیه جرم غافل نمی‌ماند. بنابراین تعریف، جرم شناسی همزمان جرم (حقوق جزا)، اصول و آئین‌های شکلی (آ.د.ک) و هم‌چنین وقایع جامعه علیه جرم را مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهد. در یک جمله می‌توان گفت که از این دیدگاه جرم شناسی، «سیاست جنائی» را مورد مطالعه قرار می‌دهد. جامعه شناسی کیفری یعنی مطالعه جامعه شناسی ادارات و ارگانهائی که در ارتباط با عدالت کیفری فعالیت دارند ولی جامعه شناسی جنائی مطالعه عوامل خارج از فرد که در وقوع جرم دخالت دارند. در این رابطه فقط علل و عوامل خارجی بررسی می‌شود. جنائی که جرم شناسی مرکب از رشته‌های مختلف علوم جنائی تلقی شود جرم شناسی به معنی عام خواهد بود. در مقابل این تعریف فراگیر، دیدگاه واحدی نیز وجود دارد که به موضوع خاص جرم شناسی می‌پردازد.

ج - تعریف اخص جرم شناسی: جرم شناسی در واقع عبارت است از مقابله و تطبیق مطالعات و نتایج مطالعات رشته‌هائی چون انسان شناسی، جامعه شناسی و روانپزشکی، در مورد جرم و





مجرمین. بر این اساس جرم شناسی باید صرفاً به مطالعه جرم پردازد و از سایر علوم جهت شناخت جرم استفاده کند و نمی‌توان سایر علوم را تحت عنوان جرم شناسی درآورد. در دیدگاه تحقیقی تعاریف مختلفی برای جرم شناسی بیان شده است که به بیان آنها می‌پردازیم:

۱- مطالعه علمی پدیده جنائی یا پدیده مجرمانه را جرم شناسی گویند. در این تعریف پدیده مجرمانه یعنی جرم و انحراف یا عمل ضد اجتماعی.

۲- اعمالی که به محض وقوع واکنشی را برمی‌انگیزد که آن واکنش را کیفر می‌نامند و موضوع مطالعه این واکنش جرم شناسی می‌باشد. (تعریف دورکیم)

۳- جرم شناسی یعنی مطالعه انسان در جمیع جهات به منظور تحقیق پیرامون علل تکوین و پیامدهای این عمل که جرم می‌باشد و از وسعت زیادی برخوردار می‌باشد. «تعریف استاسیو» در این تعریف انسان از همه جهات بدلیل شناخت، تکوین و فرایند عمل مجرمانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. یعنی از زمانی که انسان تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد و سپس آنرا به مرحله اجرا می‌گذارد، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۴- تعریفی که با توجه به تحول جرم شناسی ارائه گردیده است: اساس جرم شناسی مطالعه علمی پدیده جنائی یا مجرمانه می‌باشد، لیکن قلمرو مطالعات جرم شناسی برای مطالعه علمی جرم به مطالعه واکنش اجتماعی نیز کشیده شده است. یعنی موجب توسعه و تصمیم این علم شده است و امروز جرم شناسی به مطالعه پدیده مجرمانه و واکنشهای اجتماعی این پدیده و ارگانهائی که اجرای این واکنشها را به عهده دارند می‌پردازد. لازم به تذکر است که در این دیدگاه، جرم شناسی سنتی نیز می‌گنجد.

بخش دوم: ارتباط جرم شناسی با سایر رشته های علوم جنائی

الف - رابطه جرم شناسی با جرمیابی یا پلیس علمی: جرمیابی یا پلیس علمی در واقع عبارت است از مطالعه شیوه‌های تحقیق، کشف و دستگیری مجرمین. بنابراین جرمیابی یا پلیس علمی در مرحله تحقیقات و دادسرا کاربرد دارد. یکی از رشته‌های پلیس علمی یا جرمیابی انگشت‌نگاری است که یکی از شیوه‌های کشف و دستگیری مجرم می‌باشد. اسلحه شناسی، نیز یکی از رشته‌های جرمیابی است که برای تعیین آلت قتاله بکار می‌رود. بنابراین جرمیابی

کمکی است به آئین دادرسی کیفری در جمع آوری ادله دعوا و جرم ولی جرم شناسی یعنی مطالعه علل بزهکاری. پس جرم شناسی زمانی وارد عمل می‌شود که جرمی اتفاق افتاده باشد و به کمک پلیس علمی جرم و مجرم کشف شده باشد. در مکتب اطریشی جرمیابی یا پلیس علمی یکی از رشته‌های جرم شناسی است ولی از آنجا که جرم شناسی به مطالعه علمی پدیده مجرمانه یا بزهکاری می‌پردازد، در حال حاضر پلیس علمی رشته خاصی از جرم‌شناسی است. بنابراین جرم‌یابی همواره مقدم بر جرم شناسی است.

ب - رابطه جرم شناسی با علم اداره زندانها: علم اداره زندانها ابتدا و بطور سنتی به مطالعه مجازاتها یا کیفرهای پیش‌بینی شده و تحمیلی به بزهکاران می‌پرداخت اعم از اینکه مجازات جنبه سلب آزادی داشته باشد یا جنبه سلب حقوق و یا محدود کننده حقوق یا جنبه مدنی و اعدام داشته باشد. با صرفنظر از نوع مجازات، علم اداره زندانها به مطالعه تشکیلات مجازات و کیفرها و شیوه اجرای آنها می‌پرداخت. در علم اداره زندانها اولین چیزی که به ذهن تداعی می‌شود، زندان است ولی در کنار حبس، مجازات دیگری نیز وجود دارد. بنابراین دلیل بود که رشته «کیفرشناسی» بوجود آمد. کیفرشناسی عبارت است از مطالعه مجازات سالب حقوق، آزادی، اعدام و اقدامات تربیتی. باین ترتیب علم اداره زندانها در دل کیفرشناسی قرار می‌گیرد. امروزه علم اداره زندانها به مطالعه تشکیلات و سازمانهای داخلی مجازات و طرز کار آنها می‌پردازد. در این چارچوب، تشکیلات زندان، انواع ادارات زندان، شیوه اجرای حبس موضوع علم کیفرشناسی قرار می‌گیرد. هم چنین تبعات مجازات نیز جزء کیفرشناسی می‌باشد مثل آزادی مشروط، عفو، تعلیق اجرای مجازاتها و کلیه مکانیسم‌هایی که بگونه‌ای در این رابطه مطرح می‌شود، موضوع علم کیفرشناسی می‌باشد. یکی از اهداف کیفر، اصلاح مجرم و تحویل یک انسان اصلاح شده به جامعه می‌باشد. بنابراین با توجه به این هدف کیفر دارای رسالت می‌باشد و برای اینکه کیفر بتواند این نقش را ایفا کند به آگاهی نسبت به بزه و بزهکاری نیاز دارد و جرم شناسی این اطلاعات را در اختیار علم اداره زندانها قرار می‌دهد. بنابراین علم اداره زندانها ناچار است که به جرم شناسی نزدیک شود. از طرف دیگر جرم شناسی نیز برای بررسی کارائی و عدم کارائی تعلیمات و نتایج خودش این نتایج را در زندان از



طریق محکومین به حبس بدست می‌آورد و بدین ترتیب در زندان است که جرم‌شناسی بالینی به عمل می‌رسد. جرم‌شناسی بالینی در مقابل جرم‌شناسی عمومی که جنبه نظری دارد، حیثیت عملی دارد.

پس کیفرشناسی بطور کلی و علم اداره زندانها خصوصاً با جرم‌شناسی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد. نتیجه اینکه مطالعات جرم‌شناسی از طریق محکومین و از طریق بیلابنی که ارائه می‌شود، می‌تواند به کیفرشناسی نشان بدهد که فلان شکل از واکنشهای اجتماعی قبل از اینکه جنبه اصلاحی داشته باشد، جنبه جرم‌زا دارد. اینجاست که جرم‌شناسی می‌تواند به قانونگذار توصیه کند که این نوع مجازاتها را از لیست انواع مجازاتها حذف کند. مثل حبسهای کوتاه مدت بین ۳ تا ۶ ماه برای مجرمین بطور کلی و بالاخص برای مجرمین بی سابقه قبل از اینکه اصلاح‌گر باشد، موجب تکرار جرم می‌شود. نتیجه اینکه جرم‌شناس به مقنن پیشنهاد می‌کند که بجای حبسهای کوتاه مدت جانشین‌های دیگر را پیدا کند تا بدین ترتیب علیه تکرار جرم مبارزه شود و شاید بدنبال چنین توصیه‌ای است که مقنن ما در تبصره ۱۷ برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت جمهوری اسلامی مصوب سال ۶۸ در خصوص مجازاتهای حبس تا ۹۱ روز پیش‌بینی کرده است که قاضی می‌تواند آنرا به جزای نقدی تبدیل کند. این تبصره می‌تواند دارای چند معنی باشد:

۱- مبارزه علیه تراکم جمعیت کیفری در زندانهای ایران چون ظرفیت این زندانها محدود است.

۲- توسعه جرم‌شناسی برای مبارزه علیه تکرار جرم به جای حبس.

۳- تکمیل بودجه دادگستری از طریق دریافت جریمه‌های نقدی.

ج - رابطه جرم‌شناسی با حقوق جزا: اگر چه جرم‌شناسی و حقوق جزا هر دو به بررسی بزهکاری و تبعات آن می‌پردازند و در این خصوص تنظیم شده‌اند، ولی حقوق جزا هدفی جز جرم‌شناسی دارد. حقوق جزا به مطالعه علل جرم یا جرم نمی‌پردازد، بلکه صرفاً به تعریف جرم و احصاء انواع جرائم می‌پردازد ولی جرم‌شناسی آنچه بعنوان جرم و مجرم وجود دارد را بطور ملموس مورد بررسی قرار می‌دهد و حال آنکه حقوق جزا آنچه که نباید باشد یا آنچه که

مطلوب است را معین می‌کند. به عبارت دیگر حقوق جزا انتزاعی ولی جرم‌شناسی کاربردی است هدف نهائی حقوق جزا نبودن جرم در جامعه است ولی جرم‌شناسی جامعه را آنگونه که هست مطالعه می‌کند و به مطالعه علت‌شناسی و انگیزه‌شناسی جرم می‌پردازد.

بند اول: موارد تقابل حقوق جزا و جرم‌شناسی

۱- مسئله قانون‌گرایی یا رعایت اصول قانونی: حقوق جزا از جمله رشته‌هائی است که کلاً متکی به قانون می‌باشد و بعضاً وابسته به رویه قضائی است. و در خصوص تفسیر متن قانون جزائی دست قاضی و پژوهشگر بسته است و او نمی‌تواند بطور دلخواه به تعریف قانون جزا پردازد بلکه باید با توجه به مضیق بودن تفسیر به مطالعه و تشریح آن پردازد. یکی از اصول اساسی حقوق جزا اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست و قاضی قبل از هر چیز باید ببیند عملی که بوقوع پیوسته است آیا منطبق با قانون جزا و رویه قضائی هست یا خیر. حقوق جزا با حقوق، مال و جان افراد در تماس است. قاضی کیفری می‌بایست در تفسیر قانون رعایت دقت را بنماید و آنرا با تعرفه مجازات تطبیق نماید. ولی جرم‌شناسی از انعطاف‌پذیری زیادی برخوردار می‌باشد. در جرم‌شناسی وقتی صحبت از سرقت می‌شود، سرقت بعنوان یک عمل مجرمانه مجرد وجود ندارد، بلکه جرم‌شناسی بلافاصله به بررسی علل سرقت که سارق است می‌پردازد. چون سارقان با توجه به شخصیت‌های مختلف با هم شباهت ندارند، پس مطالعه یک مورد موجب اشاعه به سایر سارقین نمی‌شود.

۲- حقوق جزا و آزادیهای فردی: حقوق جزا در واقع حمایت و حفاظت از حقوق مالی و جانی افراد را برعهده دارد و نهایتاً از آزادی افراد و جامعه حفاظت می‌کند و به همین دلیل برای اینکه حکام یک جامعه نتوانند به اعمال خودکامانه دست بزنند، حقوق جزا برای هر یک ضمانت اجرا معین کرده است تا عضوی از اعضای قوه مجریه قادر به پایمال حقوق افراد جامعه نباشند.

ولی جرم‌شناسی قبل از هر چیز به مطالعه علل بزهکاری می‌پردازد. بنابراین هدف عمده کشف ابزارهای سرکوبگر برای مبارزه علیه تکرار جرم می‌باشد. در اینجاست که جرم‌شناسی می‌تواند برای تأمین هدف خودش و مطالعه بزهکار و ارائه طرق جلوگیری از جرم مرتکب



اعمالی شود که زیاد با آزادی فردی هماهنگی ندارد. مثلاً برای مبارزه علیه تکرار جرم، جرم شناسی می‌تواند پیشنهاد کند که برای بیشتر جرائم، مجازاتهای حبس قطعی، پیش‌بینی شود. که در واقع عدم احترام به آزادی فردی می‌باشد.

۳- کارآئی / سرکوب: سرکوب ممکن است جنبه کیفری داشته باشد یا جنبه تربیتی و آموزشی داشته باشد. مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک در خصوص مجازات معتقد به این شعار بودند که نه بیشتر از آنچه عدالت اقتضا می‌کند و نه بیشتر از آنچه که ضرورت اقتضا می‌کند. بعدها مکتب تحقیقی نیز این اصل را پذیرفت و این به معنی پذیرش حد وسط می‌باشد. اصولاً مسئله کارائی یا واکنش علیه جرم بیشتر جنبه ارباب و سرکوب دارد. یعنی در مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک، مراد از سرکوبی، سرکوبی کیفری یا جنبه ارباب انگیزی آن می‌باشد، و حال آنکه در جرم شناسی هدف از سرکوبی لزوماً سرکوبی کیفری نیست بلکه هدف، بازپروری و بازآموزی محکوم علیه می‌باشد از هر راه که ممکن باشد. به این ترتیب جرم شناسی می‌تواند سرکوبی به معنای آنچه که در حقوق جزا بکار رفته است را تضعیف کند در این جاست که حقوق جزا به جرم شناسی اعتراض می‌کند که مجرمین با توسل به اظهار بیماری اقدام به انجام اعمال مجرمانه می‌کنند و باین ترتیب انتظار پذیرائی نیز از آنها وجود خواهد داشت. در صورتیکه آنها مرتکب جرم شده‌اند و در صورتیکه سرکوبی باید جنبه نامطلوب خود را حفظ کند. ولی جرم شناسی می‌گوید می‌توان از جنبه نامطلوب بودن مجازات صرفنظر کرد و به اقدامات تأمینی و تربیتی و آموزشی پرداخت حال چه این بازپروری در قالب سرکوبی کیفری باشد یا در قالب اقدامات تأمینی.

با وجود موارد اختلافی که ذکر شد جزا و جرم شناسی قریب به ۲ هزار سال با هم همزیستی داشته‌اند. «فری» معتقد است حقوق جزا رشته‌ای از رشته‌های جرم شناسی است. اما آنچه مسلم است اینکه جرم شناسی نمی‌تواند از چهارچوب حقوق جزا خود را دور کند چون مجرمین بر طبق حقوق جزا دستگیر، محاکمه و محکوم می‌شوند. بنابراین جرم شناسی در چهارچوب حقوق جزا عمل می‌کند، گر چه امروزه جرم شناسی علاوه بر جرم انحراف را نیز شامل می‌شود. مطالعه جرم شناسی به منظور کمک به حقوق جزا است و حقوق جزا همواره از

تعلیمات جرم شناسی استفاده می‌کند. مسلماً اصل فردی کردن و قانونی کردن کیفر از این موارد می‌باشد.

د - رابطه جرم شناسی با سیاست جنائی: سیاست جنائی در کشور ما به غلط در معنای سیاست کیفری بکار رفته است، سیاست کیفری همان حقوق جزا می‌باشد ولی سیاست جنائی اعم است از توسل به نظام کیفری (حقوق جزا) و یا توسل به ابزارها و ارگانهای که رنگ کیفری ندارند، بلکه دارای جنبه اداری می‌باشند. جرم شناسی به علمای حقوق جزا نشان داد که سرکوبگری صرف، موجب تعادل در جامعه نمی‌شود، بلکه طرق پیشگیری و غیر کیفری می‌تواند نظم اجتماعی را برقرار نماید. جرم شناسی اولاً نشان داد که ماهیت افراد بزهکار یکسان نیست و به لحاظ تنوع ماهیت افراد، بزهکاران در مقابل یک کیفر واکنش یکسانی نشان نمی‌دهند. ثانیاً یک کیفر با توجه به تنوع ماهیت افراد بزهکار نمی‌تواند اثر یکسانی بر روی این افراد داشته باشد. ثالثاً اعمال صرف سرکوبی، تدابیری قهرآمیزند و در پیشگیری خاص و عام نقش مثبتی ایفا نمی‌کنند. در اینجا جرم شناسی به علم حقوق جزا پیشنهاد می‌کند که علاوه بر مجازات، تدابیر دیگری را نیز پیش‌بینی کنند که به قاضی امکان می‌دهد تا بتواند بهترین پاسخ را از قانون استنباط کند و بعنوان ضمانت اجرا در مقابل بزهکاران اعمال کند. این سیاست در چهارچوب قانون و سیاست قضائی و کیفری قرار نمی‌گیرد بلکه در سیاست اجتماعی یک جامعه قرار می‌گیرد. سیاستی که علاوه بر ابزارهای قضائی به ابزارهای اجتماعی نیز در جهت جلوگیری از جرم متوسل می‌شود. و این امر با توجه به مطالعات جرم شناسی امکان‌پذیر خواهد بود. ولی در هر حال هر توصیه و داده جرم شناسی را مسئولان نمی‌توانند اجرا کنند مثلاً در کشور فرانسه بخش عمده‌ای از فرانسویان از ساخت و فروش انواع نوشابه‌های الکلی امرار معاش می‌کنند و قسمت عمده‌ای از صادرات فرانسه نوشابه‌های الکلی می‌باشد، حال جرم شناسی رابطه مستقیم الکلیزم را با بزهکاران مشخص کرده است ولی آیا دولت فرانسه می‌تواند منافعی که از طریق دریافت مالیات از افرادی که به ساخت و فروش نوشابه‌های الکلی اشتغال دارند صرف‌نظر کند؟



بند دوم : مطالعه پدیده بزهکارانه و مجرم

برای پی بردن به علل مجرمیت مطالعات ما باید براساس مشاهده و مطالعات علمی و تجربی باشد و روش ما نیز باید متغیر باشد و روش گروهی که چند بعدی است مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین برای اینکه نتیجه مطالعات ما دارای ارزش باشد مستلزم این است که روشهای تحقیقاتی ما محکم و علمی باشد. ما از سوئی با مطالعه پدیده مجرمانه روبرو هستیم و از سوی دیگر با مطالعه مجرم. طبیعی است که این دو مطالعه از نظر متدلوژی به روشهای مختلفی نیاز دارند. اولین انجمنی که در این راستا گام برداشت، جامعه بین‌المللی جرمشناسی بود که در سال ۱۹۲۴ م تأسیس شد و هدف نهائی آن تحقیقات جرمشناختی و ترغیب کارگزاران دولتی بر استفاده از تعلیمات جرمشناسی در تدوین سیاست جنائی بود. دومین انجمن جامعه بین‌المللی دفاع اجتماعی بود که ریاست آنرا «مارک آنسل» بعهده داشت. هدف نهائی آن استفاده از تحقیقات چند بعدی در جرمشناسی در هنگام تنظیم سیاست جنائی بود. علاوه بر آن تشویق کارگزاران برای بهره‌جویی از جرمشناسی در سیاست جنائی و لحاظ مفاد حقوق بشر در سیاست جنائی است. سومین انجمن بین‌المللی حقوق جزا است که هدف آن گردهمائی متخصصان کشورهای مختلف در زمینه حقوق جزا و ایجاد تبادل نظر بین آنها و در نهایت متحدالشکل کردن قوانین جزائی کشورهای مختلف است. این انجمن اگر چه به مکانیزم‌های مختلف حقوق جزا می‌پردازد ولی از نتایج مطالعات جرمشناسی نیز غافل نیست بویژه یکی از عوامل توسعه حقوق جزا بویژه از نظر مجازتهائی که در حقوق جزا مطرح است، جرمشناسی می‌باشد. بعبارت دیگر جرمشناسی در قوی کردن ضمانت اجرای کیفری و غیرکیفری نقش عمده‌ای را ایفا کرده است. متدهائی که در تحقیقات چند بعدی صورت می‌گیرد متأثر از متدهای علوم انسانی رایج در سده هیجدهم عصر روشنگری است. از اینرو متدلوژی جرمشناسی وابسته به علوم اجتماعی بویژه جامعه‌شناسی است. در واقع اگر چه جرمشناسی از نظر متدلوژی به علوم اجتماعی وابسته است، از نظر تعیین حدود موضوع مورد مطالعه خود به آموزه‌های حقوق جزا نیازمند می‌باشد. و این امر باعث شده که عده‌ای بگویند جرمشناسی رشته مستقلی نیست و در واقع دو قطبی است. البته جرمشناسی به مطالعه مجرم نیز می‌پردازد.



سوالی که مطرح است اینست که برای مطالعه مجرم که انسان است آیا همان روشهای قبلی را باید بکار گرفت؟ پاسخ منفی است. جرمشناسی برای مطالعه مجرم به اصول و روشهایی که در علوم مقدماتی مطرح است، متوسل می‌شود. مثل پزشکی، روان‌شناسی، روان‌شناسی و ...

اینجاست که ما شاهد ظهور رشته‌های هستیم بنا «جرمشناسی کاربردی» یا «بالینی» هستیم. جرمشناسی عمومی حاوی جنبه‌های نظری جرمشناسی و جرمشناسی بالینی بعد کاربردی جرمشناسی است. برای مطالعه مجرم این جرمشناسی بالینی است که وارد عمل می‌شود. و با استفاده از روشهای پزشکی به درمان و مطالعه مجرم و نوع نارسائی می‌پردازد. یکی از منابع مطالعات کمی در جرمشناسی آمار جنائی است. یعنی استفاده از ریاضی و محاسبات در هنگام مطالعه پدیده مجرمانه. نخستین دانشمندی که آمار جنائی را مطرح کرد «کتله» بود. کتله بلژیکی و همکارش «گری» که فرانسوی بود در سال ۱۸۲۶ برای نخستین بار آمار جنائی را در دادگستری فرانسه بوجود آوردند. طبق نظر گری و کتله آمار جنائی احصاء اعمالی است که جرم تلقی می‌شود و برای آن ضمانت اجرا پیش‌بینی شده است. آمار جنائی دارای انواع مختلف است. آمار جنائی براساس محکومیت‌های کیفری یعنی مجرمینی که در دادگستری موضوع تحقیق و بازپرسی قرار گرفته‌اند به دست می‌آید. در دادگستری در کنار برگ محکومیت یا حکم معمولاً بایستی فیشهایی را مأمور دفتر دادگاه پر کند که در آنجا کلیه خصوصیات محکوم منعکس است. براساس این فیشها است که آمار جنائی بوجود می‌آید و مورد استفاده محقق جرمشناسی قرار می‌گیرد. طبیعتاً عدالت کیفری دارای تقسیماتی است. مثلاً در نظام کیفری ایران قبل از انقلاب، ما دارای تقسیم بندی جنایت، حنجه و خلاف بودیم. بر همین اساس عدالت کیفری نیز دارای سه جزء بود، دادگاههای جنائی، حنجه و خلاف بود. طبیعتاً فیشهایی که هر دسته از این دادگاهها پر می‌کردند از نظر نوع جرم ارتكابی با هم متفاوت بودند. بعد از سال ۱۳۶۴ که دادگاههای عمومی حذف شد و دادگاههای کیفری ۱ و ۲ بوجود آمد. آمار کیفری کشور ما تشکیل می‌شود از محکومیت‌های صادره از دادگاههای کیفری ۱ و ۲ دادگاههای انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت اما چون همه تحت پوشش قوه قضائیه هستند، آماری را که قوه قضائیه منتشر می‌کند شامل همه محکومیتها است.



بند سوم: عیوب آمار دادگستری

۱- آمار جنائی وزارت دادگستری جرائمی را در برمی گیرد که در مکان معین و زمان معین بوقوع پیوسته و بطور مفید در دادگاههای صالحه مورد رسیدگی قرار گرفتند و به محکومیت رسیدند. بنابراین آمار قضائی بیانگر بزهکاری واقعی که در یک جامعه بوقوع می پیوندد نیست.

۲- آمار قضائی تعداد کسانی را که تبرئه می شوند، نشان نمی دهد.

۳- در مورد محل دقیق ارتکاب جرم، آمار قضائی اطلاعاتی نمی دهد و حال آنکه دارای اهمیت است.

۴- آمار قضائی در واقع بیانگر رویه و عملکرد قضات کیفری است. چه بسا قضاتی که گرایش به تبرئه کردن دارند و چه بسا قضاتی که با سخت گیری از کیفیات مخففه و یا مکانیزمهای تعزیری استفاده نمی کنند. بنابراین آمار جنائی وزارت دادگستری باید با احتیاط تلقی شود.

دومین دسته از آمارهائی که منبعث از قوه قضائیه است. آمار اداره زندانها و مؤسسات تابعه است آمار زندانها از نظر ارزش آماری، صرفاً محکومین به مجازات سالب آزادی را نشان می دهد. بنابراین آمار زندانها محدودتر از آمار دادگستری است چون ممکن است فرد مجرم با پرداخت مجازات نقدی به زندان نرود. در کنار زندانها، مؤسسات و سازمانهای تربیتی و مراقبتی وجود دارند که محل نگهداری افرادی هستند که در معرض خطر ارتکاب جرم واقع می شوند. یعنی معتادان به الکل، مواد مخدر، روسپیان و غیره. در کنار آمارهائی که عمدتاً ناشی از وزارت دادگستری است. آمارهائی داریم که به آنها آمار پلیسی یا بزهکاری ظاهری می گویند. یعنی تعداد افرادی که در رابطه با جرم و بزهکاری و انحراف توسط پلیس و نیروی انتظامی دستگیر شده اند و هنوز به مرحله دادرسی و محکومیت نرسیده اند. علاوه بر آمار پلیس، آمار ژاندارمری هم در حکم آمار پلیسی است. چرا که پرونده چنین کسانی لزوماً به مراجع قضائی ارسال نمی شود. آمار دادرسی ارتش هم قابل توجه است که امروزه در قلمرو قوه قضائیه است.



روش کیفی مطالعه جرم با توجه به تعداد محکومیتها، انواع محکومیتها و نوع جرائم ارتكابی یا اتهامات، میزان وقوع مجازاتها است. در روش کیفی با پرونده‌ها و یا مستقیماً با خود مجرمین یا با ارگانها یا کسانی که بعنوان مسئولان اداره بزهکاری هستند سروکار داریم. مطالعه آرشوها و پرونده‌های کیفی: در یک پرونده کیفی، علاوه بر هویت متهم یک سلسله اطلاعات حقوقی و کیفی وجود دارد که می‌تواند در مقام مطالعه مورد توجه جرم‌شناسی قرار گیرد. که به خصوصیات مجرمین یا مجرمین یک دوره قضایی یا حوزه قضایی یک شهرستان مربوط می‌شود. بررسی اعمال مجرمانه مهاجرین و مقایسه آن با جرائم بومیان یا سطوح طبقاتی مجرمین یا حد مسئولیت مجرمین در دفاتر و ادارات دولتی. روش دیگری که در چارچوب مطالعات کیفی قرار می‌گیرد، مصاحبه است. هدف روش مصاحبه عبارت است از جبران عیوب روشهای مطالعاتی کمی. مثلاً جرمی واقع می‌شود ولی منعکس نمی‌شود یا در محل مصاحبه صورت می‌گیرد و در نتیجه در آمار مورد عنایت قرار نمی‌گیرد. از طریق مصاحبه می‌توان به کم و کیف آن دست یافت.

جرم‌شناسان برای رسیدن به رقم بزهکاری سعی کرده‌اند به روشهایی غیر از روشهای سنتی متوسل شوند و لااقل خواسته‌اند مقداری از رقم سیاه بعضی از جرائم را کشف کنند و اندکی خود را به بزهکاری واقعی نزدیک کنند. برای رسیدن به این هدف دو روش بکار گرفته شده است:

۱- روش پرس و جو - این روش عبارت است از تهیه پرسشنامه و توزیع بین یک گروه. این پرسشنامه شامل مواردی است که مورد نظر محققین بوده است. از این طریق فرد بنا بر اعتمادی که دارد بوقوع جرم اعتراف می‌کند. بنا بر این اطلاعات می‌توان رقم سیاه را تخمین زد. در این روش اصل بر اعتماد و اطمینان می‌باشد، و مهمترین آن در خصوص بزهکاری اطفال می‌باشد.

۲- روش مبتنی بر اظهارات مجنی علیه - براساس این روش به مجنی علیه متوسل می‌شوند اما نه مجنی علیه که جرم آن به اطلاع پلیس رسیده باشد. محققین بنا به مصالحی وقوع جرم را به اطلاع پلیس نمی‌رسانند و جرائمی مثل جرائم علیه خانواده و ناموس در این حیطه قرار



می‌گیرند. از این جا می‌توان به یک فرمول مهم دست یافت. رقم سیاه + بزهکاری ظاهری = بزهکاری واقعی

بند چهارم: طبقات بزهکاری

این طبقات معیار دیگری است، بزهکاری را عمدتاً به دو طبقه می‌توان تقسیم کرد:

الف - بزهکاری مهم و با اهمیت

ب - بزهکاری کم اهمیت و بی خطر.

ابتدا باید معیار شناخت جرائم مهم را مشخص کرد:

۱- معیار قانونی: جرائم محدودی در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ و جرائم کم اهمیت در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ می‌باشد.

۲- پیامدهای جرم: مثلاً یک اختلاس وسیع در قلمرو جرائم خطرناک محسوب می‌شود و جرائم مالیاتی عظیم نیز خطرناک می‌باشند هر چند احساسات عمومی را جریحه دار نکند.

ب - بزهکاری کل یا مجموع جنائی با صرف نظر از خصوصیات آن: آمار کل فایده‌ای ندارد اما آمار بخش موثر است. جرائمی که در رابطه با مواد مخدر است جرائمی می‌باشند که برای رسیدن به مواد مخدر بوقوع می‌پیوندد. مثلاً یک معتاد ممکن است برای تهیه مواد افیونی اقدام به خودفروشی، سرقت و نیز بنماید.

ج - بزهکاری خشونت آمیز - بزهکاری خدعه آمیز یا حیله گرانه: بزهکاری خشونت آمیز بیشتر جرائم علیه اشخاص را در بر می‌گیرد و به همین لحاظ برای این نوع جرائم شدیدترین مجازات را مبتنی بر زور و از طریق یدی در نظر می‌گیرند، اما جرائم خدعه آمیز جرائمی هستند که عمدتاً حاصل محاسبه افراد می‌باشد.

د- بزهکاری یقه سفید: این افراد به لحاظ وضع ظاهری آراسته‌ای که دارند به این عنوان معروف می‌باشند و حال آنکه جرائم خشونت آمیز عمدتاً بوسیله طبقه کارگر و زحمتکش بوقوع می‌پیوندد. یقه سفیدها کسانی هستند که دارای نفوذ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند. و در مقابل قانون راه فرار را می‌دانند مثل تقلبات مالیاتی و جرائم کامپیوتری.



ه - بزهکاری فردی، بزهکاری گروهی: بزهکاری گروهی ناشی از، تبعیت بزهکاران از تحول و ترقی و توسعه صنعتی می‌باشد.

و - بزهکاری اتفاقی - بزهکاری حرفه‌ای (بعادت) در اینجا تکرار جرم مورد نظر است.

ی - بزهکاری زنان - بزهکاری مردان:

به موازات شرکت زنان در جامعه نرخ بزهکاری آنان نیز افزایش می‌یابد. زنان در بخش‌های خاصی از جرائم حضور دارند. مانند سقط جنین، نوزادکشی، مسموم کردن

ن - بزهکاری اطفال - بزهکاری بزرگسالان:

بزهکاری اطفال امروزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. به منظور پیشگیری از ارتکاب جرائم در آینده.

بند پنجم: عوامل روانی جرم

جهت شناخت بهتر جرم‌شناسی و مجرمیت با الهام از تز «لمبروزو» و مکتب انسان‌شناسی جنائی و مکتب تحقیقی بیشتر باید سراغ عوامل زیستی و روانی و ویژگیهای فردی رفت: ویژگیهای فردی بر دو قسم می‌باشد:

۱- ویژگیهای فردی ذاتی. ۲- ویژگیهای فردی اکتسابی.

۱- ویژگیهای فردی ذاتی: این ویژگیها مادرزادی هستند و اینجا صحبت از توارث، جنس، نژاد و سن میان می‌آید. بطور کلی خصیصه‌هایی که در تحت این عنوان بررسی می‌شوند عبارتند از:

۱- توارث: این مسئله از نظر زیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف مطالعات در این زمینه عمدتاً این است که پیشینه خانوادگی افراد مورد مطالعه قرار گیرد. این مطالعات جنبه تک‌نگاری داشته و عمدتاً با موفقیت همراه بوده است. بر اثر این مطالعات باین نتیجه رسیده‌اند که ۳۵٪ از مجرمین دارای پیشینه آسیبی هستند. نوعی از توارث آسیبی بیماریهای عفونی است.

نوع دیگر توارث آسیبی اعتیاد است اعم از اعتیاد به مواد یا الکل، طبق مطالعات انجام شده در فرانسه در گروه بزهکاران و غیربزهکاران، مسئله توارث الکی در بزهکاری و جرائم سه



برابر افراد عادی بوده است. بدین ترتیب الکلیزم و بیماریهای عفونی دو زمینه‌ای بودند که در قلمرو ارث و توارث مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفته است.

۲- جنس: بعنوان یک خصیصه ذاتی نشان می‌دهد که زنان در حدود بزهکاری حضور دارند و فعالیت مجرمانه زنان از مردان بر مراتب بیشتر است. مهم این است که رقم سیاه بزهکاری در انجام جرائم بوسیله زنان بالا می‌باشد. و علت این امر عمدتاً به لحاظ نوع جرمی است که زنان مرتکب می‌شوند. ثانیاً نوع برخوردی که کارگزاران پلیس و مقامات قضائی با جنس زن دارند. ثالثاً نوع برخورد و رابطه‌ای که مجنی علیه با خانواده و نسبت به زن اتخاذ می‌کند. شدت عمل در مورد زنان کارآئی ندارد. جرائمی که زنان انجام می‌دهند متعدد از جمله اختفای اموال مسروقه است. چنانکه عمدتاً ۵ تا ۷ درصد آتش سوزیها بیشتر توسط زنان صورت می‌گیرد. ۶۰ تا ۷۰ درصد از سقط جنین‌ها توسط زنان بوقوع می‌پیوندد.

۳- نژاد: در آمریکا میزان محکومیت رنگین پوستان از درصد بالاتری برخوردار است ولی منشا آن این است که رنگین پوستان به علت عدم تمکن مالی و عدم نفوذ اجتماعی محکوم شده‌اند.

۴- سن: سن و تاثیر آن در نوع جرم، شیوه ارتکاب، نحوه شرکت در ارتکاب جرم و بویژه آغاز دوران فعالیت مجرمانه و پایان آن در قالب سن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این بحث در قالب بزهکاری اطفال بررسی می‌شود و با توجه به این نکته که شخصیت فرد از سنین طفولیت آغاز می‌شود در سن ۱۸ تا ۲۰ سالگی این شخصیت دوره تکمیلی خود را به پایان می‌رساند. در بیشتر قوانین جزائی کشورهای جهان مسئولیت کیفری با توجه به سن بطور تدریجی شدت می‌یافت. طبق تشکیلات دادگاههای بزهکاری اطفال در سال ۱۳۳۱ اطفال در مقاطع سنی بین ۶ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۹ سالگی دارای مسئولیت کیفری متفاوتی بوده‌اند و علت این امر اولاً نوع جرم ارتکابی در این سنین فرق می‌کند، ثانیاً هدف اصلی مجازات آینده سازی فرد و مبارزه با تکرار جرم است و به همین دلیل است که در مورد اطفال عمدتاً مجازات جنبه آموزشی و تربیتی و بازپروری دارند. پس سن در نوع بزهکاری نقش دارد.



۵- شیوه بارداری و وضع حمل: اصولاً در دوره بارداری وضعیت محیط پیرامون فرد، نقش مهمی در جنین ایفا می‌کند و موقعیت عمل در زمانی که در محیطی آرام قرار دارد با زمانی که مشکلات مختلف او را احاطه کرده است، فرق می‌کند و تأثیر این موقعیت بر جنین و شخصیت آن نیز متفاوت است.

۶- اختلالات روانی که جنبه مادرزادی دارند.

بخش سوم: خصوصیات مربوط به روابط بزهکاری محیط

در واژه‌شناسی غربی محیط بیشتر به مجموعه شرایط امور و وقایعی گفته می‌شود که جنبه مجرمانه داشته و در واقع در اینجا محیط را با شرکت‌ها، بنگاههای تجاری و دانشکده مقایسه کرده‌اند و گفته‌اند چنانکه این محیط‌ها با اصول سازماندهی شده‌اند محیط مجرمانه نیز با همان اصول و سازمان دهی در جهت ارتکاب جرم فعالیت می‌کند در این معنی می‌توان به «مافیا» و «بریگارد سرخ» که در ایتالیا فعالیت می‌کنند، اشاره کرد. محیط در اینجا در تعریف اختصاصی بکار رفته است. محیط در جرم‌شناسی یعنی مجموعه وقایع، امور و شرایطی که به خودی خود جرم هستند ولی در قالب یک گروه سازمان یافته و وظایف تقسیم بندی شده مشغول فعالیت هستند. همین مورد است که محیط را به معنای خاص مورد توجه جرم‌شناسی قرار می‌دهد و آن در قالب مطالعات تک نگاری صورت می‌گیرد. جرم‌شناسی هم شامل ابزارهای جدید کیفی و هم ابزارهای سنتی اجتماعی می‌باشد. ابزارهایی که با ایجاد هر جامعه‌ای وجود دارد و همراه با ایجاد نهادهای اجتماعی بوجود می‌آیند ابزارهای کنترل اجتماعی سنتی نامیده می‌شوند مثل انجمن‌های محلی. اما با پیشرفت جوامع و سنت زدائی در کشورهای مختلف ابزارهای جدیدی بوجود آمدند که به آنها «ابزار جانشینی» می‌گویند. موقعی می‌توان از ابزارهای جانشینی استفاده کرد که کارآئی ابزارهای سنتی از بین می‌رود و یا از بین رفته باشد. مثلاً در جوامع پیشرفته و صنعتی کنترل اجتماعی سنتی کاملاً از بین رفته است و مصادیقی چون کلیسا، روحانی، محله، وجود ندارد. در کشوری مثل ایران این امر بینابین می‌باشد یعنی ابزارهای کنترل اجتماعی سنتی و جانشینی همزیستی دارند. از نظر «زابو» جرم شناس کانادائی در خصوص اثر محیط، مکان را از نظر تاثیر به چهار دسته تقسیم کرده است:



۱- شهر: از معیارهای تعیین شهر میزان جمعیت، میزان تحول و وجود ساختارهای اجتماعی سازمان یافته می‌باشد.

۲- روستا: معیار عمده تعیین روستا میزان جمعیت و نوع کار افراد می‌باشد. اصولاً جمعیت کمتر از ۲۰۰۰ نفر جزء روستا می‌باشد.

۳- مناطق شهری شده: بین شهر و روستا با مناطق شهری شده مواجه هستیم.

۴- حومه یا حاشیه شهرها: این مناطق به لحاظ انفجار شهرهای بزرگ بوجود آمده است. در یک شهر به علت قدمت و سابقه تاریخی، یک بافت اجتماعی جا افتاده وجود دارد که عامل پیشگیری از جرائم می‌باشد. برخلاف مناطق شهری شده که فاقد ابزارهای کنترل اجتماعی هستند.

اکثر شهرکها حاصل پیشرفت افقی شهرها می‌باشند. حومه‌ها حالت عمودی دارند مانند آپارتمانها، ساختمانهای بلند. پیشرفت عمودی حومه‌ها موضوع جدیدی در مطالعات جرم‌شناسی می‌باشد. جمع‌آوری تعدادی از افراد در آپارتمانها یک حالت بی‌هنجاری و عدم توجه به عرف اجتماع را بوجود آورد. مطالعات در خصوص برج‌ها و برجکها در فرانسه نشان داده که ساختمانهای پیش از ۶ طبقه دارای نرخ بزهکاری بالائی هستند و این نرخ در خصوص ویلا کمتر می‌باشد.

نتیجه گیری

جرم‌شناسی «علت شناختی» غالباً بر فرد مجرم و پیرامونش علل بزهکاری را مشخص می‌کرد ولی جرم‌شناسی «واکنش اجتماعی» فرد را کنار گذاشته و به نقش واکنش اجتماعی می‌پردازد. اصولاً واکنش اجتماعی شامل مجازاتها و اقدامات تأمینی است که برای اعمال واکنش اجتماعی ارگانهایی وجود دارد. در جرم‌شناسی علت شناختی چون توجه به فرد است فرد را در قالب جامعه شناسی، روان شناسی، و روانپزشکی و تاسی از الگوی طبی و پزشکی مطالعه می‌کردیم یعنی به روشهای جامعه شناختی، روان شناختی و پزشکی متوسل می‌شویم ولی در جرم‌شناسی واکنش اجتماعی این روشها کنار گذاشته شده و روشهای خاصی اعمال می‌شود.



۱- سیاسی شدن مطالعات جرم‌شناسی یعنی لحاظ مطالعات و اندیشه‌های سیاسی و عقیدتی که نمونه بارز این مورد جرم‌شناسی رادیکال یا انقلابی می‌باشد یا برچسب زنی.

۲- توجه و تاکید بر نقش مجنی علیه. اینبار شاهد وجود مجنی علیه در مطالعات جرم‌شناسی هستیم که از دو طریق نقش ایفا می‌کند.

الف - به لحاظ نقشی که در ارتکاب جرم ایفا کرده است.

ب - بواسطه وقوع جرم متضرر شده است

بنابراین وجود مجنی علیه در مطالعات جرم‌شناسی دقیقاً یکی از نوآوریهای جرم‌شناسی جدید است.

۳- تاکید بر عدم کارائی سیستم کیفری. بنابراین جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی با توجه به تاکید بر عدم کارائی کیفر و جرم‌زائی این ارگانها معتقد هستند اولاً - صلاحیت سیستم قضائی باید حتی‌المقدور کم شود و جرائم غیر مهم که عمده پرونده‌ها را تشکیل می‌دهد به تشکیلات خصوصی و غیرقضائی سپرده شود. ثانیاً به جای توسل به مکانیسم جرم‌زدایی در قالب قانون از اعمالی که ارزشهای اساسی جامعه را مورد تعرض قرار نمی‌دهند عنوان جرم‌زا گرفته شده و آنها به قضاوت افکار عمومی قرار بدهند باید حتی‌الامکان به ضمانت اجرایی متوسل شد که رنگ کیفر نداشته باشد. ضمانت اجرایی اداری، مدنی و اجتماعی از این نوع می‌باشد. جرم‌شناسی واکنش اجتماعی حاصل یک سری مطالعات آماری، کمی، تجربی و علمی است. جرم‌شناسی علمی زمانی شروع شد که لمبروزو و همکارانش به مطالعه فرد پرداختند ولی جرم‌شناسی واکنش اجتماعی ناشی از اندیشه‌های اقتصادی، اجتماعی و عمدتاً سیاسی است.



منابع و ماخذ

۱. آرون، ریمون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم
۲. آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی، نشر گرایش، تهران ۱۳۸۲
۳. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۵
۴. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، چاپ دوم، انتشارات راه تربیت، تهران ۱۳۸۶
۵. احدی، حسن و محسنی، نیکچهر، روانشناسی رشد، مفاهیم بنیادی روانشناسی جوان، نشر بنیاد، تهران ۱۳۸۸
۶. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، دو مجلد، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۱
۷. اداره کل تدوین و تنفیح و مقررات، قانون مجازات اسلامی، انتشارات معاونت پژوهش، تدوین و تنفیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۲
۸. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ چهارم، نشر میزان، تهران ۱۳۸۰
۹. بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، انتشارات مجد، تهران ۱۳۸۵
۱۰. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم
۱۱. پیته، ژان، مهاجرت روستایی، ترجمه محمد مؤمنی کاشانی، جلد اول، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۹
۱۲. پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست دوم، نشر میزان، تهران ۱۳۸۹



۱۳. رابرتسون، یان، درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارگرگرایی ستیز و کنش متقابل، ترجمه حسین بهروان، مؤسسه چاپ و نشر آستان مقدس رضوی، چاپ دوم، مشهد ۱۳۷۴

۱۴. راهب، غنچه، پذیرش از سوی جامعه زندانیان، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، انتشارات راه تربیت، تهران ۱۳۸۶

۱۵. ربیع‌زاده، سوسن و زمانی، فریبا و نبئی، شیدا، بررسی وضعیت اجتماعی زنان مجرم و بزهدار شهر تهران، انتشارات پژوهشکده علوم اجتماعی، تهران ۱۳۷۷

